

## صهر علیخان سولدوز.

اولاً، در سلک نوکران بیرامخان بود. بملازمت حضرت سرفراز شده،  
بمرتبه امرای هزار و پانصدی رسیده، در گذشت.

## خداوند خان دکهنی.

در زمره امرای هزار و پانصد انتظام داشت. و در سنه، نهصد و نود  
و پنج، در گجرات رحلت نمود.

## میر مرتضی دکهنی.

در سلک امرای هزارست.

## حسن بیٹی افغان.

در زمره امرای هزاری انتظام داشت؛ و در حادثه افغان سواد بچور  
رخت هستی بر بست.

## نظر بیگ، ولد سعید خان کهکهر.

در پله امرای یکهزاری انتظام دارد.

## واجه گوپال.

در زمره امرای دو هزاری بود.

## قیان خان صاحب حسن.

نیز بمرتبه امرای هزار و پانصدی رسیده رحلت نمود.

## سید هاشم بارهه.

ولد سید محمود خان بارهه، در سلک امرائی رسیده، هزاری  
شده و در نهصد و نود و یک، در جنگ سرکهج که خانخانان میرزا خانرا  
با سلطان مظفر گجراتی واقع شد، شهادت یافت.

## رضوی خان .

مدتی بخدمت بخشیکری منصوب بود؛ بمرتبه امرائی هزاری رسیده، در گذشت .

## واجه بیرو .

در سلک امرای دو هزاری بود؛ و در حادثه افغانان سواد، غائب شد .

## شیخ فرید .

بخشی ست، و در زمره امرای هزار و پانصدیست .

## واجه سرجن .

واجه قلعه رفته بدور بود . قلعه را بعد از محاصره تسلیم دولتخواهان نموده، در سلک بندگان درگاه منتظم گشت . و از جمله امرای دو هزاری بود .

## جعفر بیگ .

برادر زاده غیاث الدین علی آصف خانست و مخاطب بآصف خان شده، داخل بخشیان دو هزاریست .

## واجه روسی سواکی .

در پله امرای هزار و پانصدی بود .

## فاضل محمد خان .

پسر میر محمد خان اتکه، در سلک امرای هزار و پانصدی بود . و در ایام محاصره قلعه احمدآباد گجرات، که مخالفان گجراتی اعظم خانرا نموده بودند، روزی، از قلعه برآمده، با مخالفان جنگ کرده، بشهادت رسید .

## شاه قلي نارنجي.

در سلک امرای هزاریست.

## شیخ محمد بخاري.

در سلک امرای دو هزاري رسیده بود، و در سنه نهصد و هشتاد و یک، در جنگ شیرخان فولادي، شهید شد.

## لعل خان بدخشي.

از امرای کبا بود.

## خناجر بیگ چفتا.

از امرای قدیم این سلسله است. و در فنون جزئیات علم و حکمت، خصوصاً در موسیقی ممتاز بود. و طبع نظمی داشت. و در باب اکهاره مثنوی مشهور دارد.

## مخصوص خان.

برادر سعید خانست، و در سلک امرای دو هزار و پانصدی انتظام دارد.

## ثاني خان.

از طائفه ارزال ست؛ اول قلندر بود، آخر بمرتبه امارت رسیده، طبع نظم داشت، و کافیه را نظم کرده است.

## میرزا حسن خان.

برادر سعید بکره، در سلک امرای کبار انتظام داشت.

## جگت سنگه.

ولد راجه مانسنگه، در سلک امرای یک هزار و پانصدی منتظم ست.

## مرزا نجاتخان.

برادر مرزا حسین خان، بمرتبه امارت رسیده، سپری شد.

## علی دوست خان باربیگی.

از خدمتگاران جنت اشیانی بود، و در ملازمت حضرت خلیفه الهی، بمرتبه امرای یکهزاری رسیده، در لاهور فوت کرد.

## سلطان حسین خان.

از امرای عالیقدر بود.

## خواجه شاه منصور شیرازی.

نویسنده، صاحب وقوف، کفایت شعار، معامله دان بود. و از بس رقت او، تمام امراء بار ناخوش شدند. و خطی از زبان او، بجانب میرزا حکیم ساختند، و آن بیچاره بقتل رسید؛ چنانچه بمحل خود مذکور است. چهار سال بمنصب وزارت، از روی استحقاق، اشتغال داشت.

## سلیم خان.

سرمور افغان در سلک امرا هزاری انتظام داشت.

## سید جهجو بارهه.

برادر سید محمود بارهه بود؛ و بشجاعت، و شهامت، از اقربان امتیاز داشت.

## دربار خان.

او پسر تکلر خان، قصه خوان شاه طهماسب است. او نیز قصه خوان حضرت خلیفه الهی بود. در کمال تقرب داشت، و در جرگه امرای هزاری بود.

## حاجی محمد سیستانی.

در ابتدای، نوکر بیرام خان بود؛ و در آخر در سلک امرا منتظم گشت.

## محمد زمان.

برادر مرزا یوسف. در سلک امرای هزاری انتظام داشت. و در ولایت گرهبه بشهادت رسید.

## خرم خان.

از امرای دو هزاری بود. و در گذشت.

## محمد قلی توقبائی.

در زمره امرای هزاری منتظم بود.

## مجاهد خان.

ولد مصاحب خان. جوانی بود در نهایت شجاعت، و شهامت، و در پله امرای هزاری رسیده، در ولایت کونقلامیر بشهادت رسید.

## سلطان ابراهیم اوبهی.

خال مؤلف کتاب، نظام الدین احمد؛ بزور شمشیر ولایت دامن کوه کمایون را، بتصرف در آورده، مصدر خدمات شایسته شده، بشجاعت و مردانگی، از امثال و افران امتیاز داشت.

## شاه غازی خان توکمان.

در سلک امرای کبک بود.

## شیرویه خان .

پسر شیر افکن بیگ ست . که از امرای کبار جنت آشیانی بود ؛  
و الحال ، در سلک امرای هزاری انتظام دارد .

## کا کر علیخان .

در جرگه امرای هزاری بود .

## نقیب خان .

پسر میر عبد اللطیف مرویدی . در علم تاریخ یگانه است ؛ و در زمره  
فدماهی مجلس ست ؛ و در سلک امرای هزاریست .

## بیگ نورین خان .

در سلک امرای هزاری بود ، در گذشت .

## قتلو قدمخان .

در سلک امرای هزاری بود .

## جلال خان قورجی .

فدیم پدیده بود . همه وقت ، سخنان شیرین او ، باعث انتعاش خاطر  
حضرت خلیفه الهی می شد . و در جرگه امرای هزاری ، انتظام داشت .  
و در ایامی ، که قلعه سواد محاصره بود ، بشهادت رسید .

## شمال خان قورجی .

علام حضرت خلیفه الهی بود فدیم . مشرب بود ، و در زمره امرای  
هزاری بود . در گذشت .

## میرزاده علیخان .

پسر محترم بیگ . جوان مردانه ، صاحب سلیقه بود . و در کشمیر  
بشهادت رسید .

## سید عبد الله خان .

از صغیر سن ، در خدمت حضرت بود . و بمرتبه امرای هزارگی رسیده ،  
در کشمیر در گذشت .

## میر شریف آملی .

که از موحدین وقتست ، و در تصوف سلیقه درست دارد . و در زمرة  
امرای هزارگی انتظام یافته ، امروز در ولایت بهار است .

## فروخ خان ولد خان کلان .

از خانزادان دودمان عالیشان است ، و الحال در ولایت بنگاله است .

## دولت خان سهاری نیازی .

در سلک امرای هزارگی انتظام داشت . و در گذشت .

## جعفر خان ترکمان .

بن قزاق خان . در وقتیکه قزاق خان ، حاکم خراسان ، بحضرت شاه  
طهماسب باغی شده ، بقتل رسید ، او زوی النجا ، بدرگاه سلاطین پناه آورده ،  
در زمرة هزارگی انتظام یافته ، بعد از چند گاه باجل طبیعی در گذشت .

## رای منوهر.

بن رای لون کون - از صغر سن در حجرة شفقت حضرت خلیفه  
الهی نشو و نما یافته، در خدمت شاهزاده کامگار سلطان سلیم بزرگ شد. خط  
سواد پیدا کرده، سلیقه شعر بهم رسانیده، میگوید: و توسنی تخلص دارد.

## شیخ عبد الرحیم لکهنوتی.

از بندهای قدیم خدمت این درگاه است. در سلک امرا انتظام دارد.

## میر ابو المظفر.

پسر اشرف خانست، و الحال بحکومت ولایت اوده، سرفراز ست.

## رام سنگه.

پسر راجه اسکر ست، و در سلک امرا منتظم ست.

## رای پتو داس.

نویسنده هندی، و از طائفه کهنتری است؛ و به پله امرائی  
رسیده؛ و امروز حکومت بلاد تهته دارد.

## جانش بهادر.

در سلک امرائی ست.

## محمّد خان نیازی.

از طائفه افغانست؛ و به پله امرائی رسیده.



## وامداس کچواھے.

از مقربان بارگاہ، و استادهای درگاہ است. همه وقت خدمت حضور دارد.

## میر ابو القاسم.

ولد سید محمود، میر عدل، بمرتبه امارت رسیده.

## خواجہ عبد الحی.

میر عدلست، و بامارت رسیده.

## شمس الدین حسین.

پسر اعظم خان کوکلتاش است. جوان قابل است، در سلک امرای هزاری انتظام دارد.

## خواجہ شمس الدین خافی انجو.

که الان بمنصبت دیوانی سرفراز است. بدیانت، و شجاعت، و کاردانی اشتهار دارد.

## میر جمال الدین حسین.

از سادات شیراز است. در جرگه امرای هزاریست.

## شیخ عبد الله خان.

پسر شیخ محمد غوث است. در سلک امرای هزاری انتظام دارد.

## سید راجو بارهه .

از جمله امرای هزاربست .

## میدنی رای چوهان .

در شجاعت ، و سخا ، از اقران خود امتیاز دارد و در سلک امرای  
هزاربست منظم است .

## میر طاهر رضوی .

برادر میرزا یوسف خان است ، و بشجاعت اقصاف دارد .

## تاش بیگ کابلی .

در زمره امرای انتظام دارد ، و او هم در جرگه شاه بیگ است .

## احمد بیگ کابلی .

جوان فاضل ، و مردانده است ، و هفت صد سوار دارد .

## شیر خواجه .

بشجاعت ، و شهامت اقصاف دارد ، و از جمله امرایست .

## طاهر سیف الملوک .

پسر شاه محمد سیف الملوک است ، که حکومت غرچستان ، از  
بلاد خراسان داشت . و بحکم شاه طهماسب ، قتل رسید . الحال در مرتبه  
امارت رسیده ، در بدنگله است .

## محمد قلی ترکمان .

بمرتبه امارت رسیده . باحمد بیگ هم جرگه است .

## نوخته بیگ کابلی .

جوان مردانه است ، و باحمد بیگ هم جرگه است .

## صیفا علی علم شاهی .

برادر علم شاه است ، جوان مردانه ، و صاحب شمشیر است .

## وزیر جیمل .

از امرای قدیم الخدمت است .

## بهبو ج ، ولد رای سورجن .

در پله امرای هزاربست .

## صیر ابو القاسم نمکی .

در زمره امرای است ، و حکومت بهکوداورد .

## بختیار بیگ ترکمان .

حکومت سوپستان دارد ، و در سلک امرای منتظم است .

## امیر صدر جهان .

از سادات قنوج است . و صدر الصدور هندوستانست ، و بفضائل

و کمالات موصوفست .

## حسین بیگ .

شیخ عمریست ، و در سلک امرا انتظام دارد ، و مورد مرأحم شاهنشاهیست .

## شادمان .

پسر اعظم خان ، در پله امارت رسیده .

## واجه مکتوم .

بهالدوریه ، در سلک امراست .

## باقی سفر چی .

پسر طاهر خان ، میر فراغتست . در سلک امرا انتظام دارد .

## فریدون برلاس .

پسر میر محمد قلی خان برلاس ، در زمره امرا منتظم است .

## بهادر خان قوردار .

از افغانان تریس ، و بشجاعت موصوف است ، و بامارت رسیده .

## شیخ بایزید چشتی .

فبیره شیخ سلیم چشتی است . جوان سلیم النفس و پسنفیده اطوارست ، و در پله امارت رسیده .

پوشیده نماند ، که هرکس از ملازمان درگاه ، که پانصد نوکر دارد ، اطلاق امارت ، و امرائی بر او نذموده ، و هرکس که مذکور شد ، مرتبه او از پله امارت بالا است .

## ذکر علما و فضلا که در ایام سلطنت حضرت خلیفه الهی

در سواد اعظم هند بوده اند، و از دیگر بلاد بدرگاه خلایق پناه  
آمده اند.

### امیر فتح الله شیروازی

در سنه نهصد و نود، موافق بسنت و شش الهی، از دکن بملازمت  
رسیده، مشمول مراسم خسروانه گشت، و حسب الحکم، مامور شد،  
تا آنکه باتفاق وزرا، به تغذیه مهمات عمال و اشتغال دیوانی پردازد، و چند  
سال، باین خدمت، سرفراز بوده بخطاب عضد الدوله شرف اختصاص  
یافت. دانشمند متبحر بود، و در فنون علم عقلی، و نقلی از علمای  
خراسان، و عراق، و هندوستان امتیاز داشت. و در زمان خود در کل  
عرضه عالم، مثل و قرین خود نداشت. و در علوم غریبه، از فیروجات،  
و طلسمات نیز، بهره مند بود، چنانچه آسیای برارابه ساخت، که خود  
حرکت میکرد، و آرد میشد؛ و آئینه ساخت، که از دور و نزدیک، اشکال  
غریبه مرئی میگشت. و بیک چرخ دوازده بندوق سر میشد. و در سنه  
سبع و نسیین و تسعمائة، در کشمیر بعالم بقا خوامید.

### امیر مرتضی شریفی

که از نبایر امیر سید شریف جرجانی بود، و در سنه نهصد و هفتاد،  
موافق هشتم سال الهی، به هندوستان آمده، از عطایات خسروانی بهره مند  
گشت؛ و در دهلی مدفون گشت. علوم عقلی خوب دانستی و اقسام  
ویضیات، و حکمت درس گفتی، و تاریخ فوت او، علامه ز عالم رفت،  
یافته بودند.

## ملا سعید سمرقندی .

در فصد و هفتاد ، بهندوستان آمده ، بمراحم بادشاهانه ممتاز گشت  
از فحول دانشمندان عصر خود بود .

## شیخ ابو الفضل .

خلف مدق شیخ مبارکست . در جمیع علوم ، متبحر عظیم دارد .  
و مظهر جلائل اخلاق ، و شرافت اوصاف است و کمالات کسبی ، و وهبی ،  
او از سرحد و حصر برونست . امروز ، روزگار را باو افتخارست . قیدوه مقربان  
حضرت خلیفه الهی ، و اعتماد دولت ، رکن سلطنت ، و صاحب نفس  
قدسی ، و ملکات ملکی ست . تصنیفات شریفه دارد ، و کتاب اکبر نامه ،  
که وقایع و فتوحات حضرت خلیفه الهی را بعبارت نثر فارسی ، که کار نامه  
معانی تواند بود ، با تمام رسانیده . دیگر تصنیفات ، مثل عیار دانش ،  
و رساله اخلاق ، وغیره دارد .

## ملا علاء الدین .

مدتی ، بتعلیم حضرت خلیفه الهی اختصاص داشت . از علمای  
کبار وقت خود بود .

## ملا صادق حلوائی سمرقندی .

از مکه بملازمست رسیده ، چند سال ، در هندوستان بوده ، بکابل رفت  
و چند سال ، در کابل ، بافاده اشتغال داشت . و میرزا محمد حکیم را درس  
میگفت . و الحال در سمرقند ست .

## میرزاده مفلس سمرقندی .

از دانشمندان ماوراءالنهر بود . در سنه نهصد و هفتاد و نه ، بهندوستان آمده ، سه سال در مدرسه خواجه معین الدین درس میگفت ؛ و بمکه رفته مدفون شد .

## حافظ تاش کنندی .

که در ماوراءالنهر ، بحافظ کومکی اشتهار دارد . و از کبار علماء ماوراءالنهر ست . از علوم عقلی ، و نقلی ، از اقران امتیاز داشت . در سنه نهصد و هفتاد و هفت ، بهندوستان آمده ، بعذایات خسروانید ، مباحثی گشت . و خرج راه مکه گرفته ، سفر حجاز اختیار کرد .

## ملا عبد الله سلطانیپوری .

که حضرت جنت آشیانی ، او را بخطاب مخدوم الملک ، از دیگر علما امتیاز داده بودند . در علم فقه و فنییات ، گوی سبقت برده . و از دولت حضرت خلیفه الهی ، صاحب جمعیت و مال شد . چنانچه بعد از فوت او ، سه کروز زر ، از خزانه او برآمده . در وقت مراجعت از مکه ، در احمد آباد گجرات فوت کرد .

## شیخ عبد النبی .

دهلوی بود ، از فدایر شیخ عبد القدوس . حضرت خلیفه الهی او را فوازش کرده ، صدر الصدور ساختند . و مدت ده سال واثق و فائق مهمات صدارت کل ممالک محروسه بود .

## قاضي جلال الدين سندي .

که بمنصب اقصي القضاة، عروج نموده بود . علم نقلی خوب دانستی، و عقلیات را فی الجمله میدانست . بدیانت و امانت اتصاف داشت .

## قاضي صدر الدين لاهوري .

علوم نقلی و عقلی، نیکو دانستی، و چند سال قضای لاهور داشت،

## قاضي طواسی .

از علمای وقت، خصوصاً از قضاة عصر، بدیانت و صلاح ضرب المثل بود . و مدتها اقصي القضاة درگاه خلایق پناه بود .

## ملا محمد یزدی .

از شاگردان رشید ملا میرزا جان بود . و در علوم عقلی از اقران خود ممتاز بود . علم تاریخ نیکو دانستی در نهمصد و هشتاد و چهار، از شیراز آمده، بعنایت پادشاهانه اختصاص یافت، و در سنه نهمصد و نود و هشت فوت کرد .

## ملا اسحاق کاکولاهوری .

از فحول علمای هند است . و بفقیر، و قناعت، او توکل، از امثال و اقران ممتاز بوده . عمر او بصد رسیده بود .

## ملا جمال خان مفتي دهلوی .

از دانشمندان وقت بود . در معقول متبحر داشت . و بقدری، در معقول نیز غور نموده . عمرهای بدرس مشغول بود .



### میان حاتم سنبلی .

از فحول علمای وقت بود . سالها بافاده اشتغال می نمود ، و اکثر کتب متداوله را یاد داشت .

### میان احمدی .

دانشمند امینیهی وال ، عمرها بافاده اشتغال می نمود ، و اکثر کتب متداوله از یاد درس گفتی . صاحب صلاح ، و تقوی ، و ریاضت بود .

### ملا سعد الله لاهوری .

از کبار علمای وقت بود ، و بروش ملامیه سلوک می نمود .

### ملا منور .

از دانشمندان وقتست . و سالها بافاده اشتغال نموده .

### ملا شیخ احسین بغدادی .

بعلم عقلمی و نقلی ، و اقسام حکمت ، از ریاضی ، و طبیعی ، و الهی آراسته . سالها از دهلی درس گفت . و سفر حجاج را اختیار کرد .

### ملا شیخ حسن تبریزی .

دانشمند بود ، و سالها درس گفت .

### سید ولی .

از علمای دهلی بود .

## ملا با یزید

دانشمزد دهلوی بود.

## قاضی یعقوب مانکیپوری .

سالها افضی القضاة بود، و بقاضی فضیلت خویشی داشت.

## شیخ بهاء الدین .

مفتی آگره، از علمای وقت، بصلاح و تقوی، امتیاز داشت.

## شیخ ابوالفتح .

مفتی آگره بود.

## قاضی ناصر .

قاضی آگره بود.

## قاضی صوفی .

از فضیلت لاهور، بدیانت، و تقوی ممتاز بود.

## ملا الهداد لنگر خانی لاهوری .

همه وقت درس میگفت.

## سید محمد میر عدل .

از پرگنده امرویه بود و بمرتبه امارت، و حکومت رسید، و مدتها، میر

عدل بود، و چند سال ولایت بکسر، در جاگیر او بود، و انجا در گذشت.

### ملا اسمعیل عرب .

دانشمند ، محدث و مفسر بود .

### ملا مقیم .

مدرس ، چند سال در دهلی بافاده مشغول بود .

### ملا غلام علی کور .

### ملا خواجه علی ما وراء النهری .

### ملا حسن علی موصلی .

در معقول ، حکمت و ریاضی صاحب فن بود . از همد بدیار

موصل رفت .

### ملا جمال لاهوری .

که امروز بافاده اشتغال دارد .

### قاضی غضنفر سمرقندی .

سید ، دانشمند ، و بانواع فضايل آراسته بود . چند سال اقصی القضاة

ولایت گجرات بود ، و از آنجا بمکه رفت .

### قاضی بابا خواجه .

که الحال قاضی اجین ست ، و علوم عقلی و نقلی میداند .

### ملا حمید مفسر سنبلی .

صوفی مشربست . و تفسیر نیکو میداند .

### ملا حاجی کشمیری .

که امروز در دهلی ، بنامه مشغولست ؛ و علوم نقلی ، و عقایی ،

میداند .

### ملا یعقوب کشمیری .

مولویست ، شعر نیز میگوید ، و معما و فنون شعر میداند .

### حاجی ابراهیم آگوه .

عالم و عابد و متقی بود .

### حاجی ابراهیم سرهندی .

علوم نقلی میدانست .

### ملا ویش گوالیاری .

در علوم حکمت و ریاضی و نجوم ممتاز بود .

### ملا شاه محمد شاه آبادی .

که علوم عقلی ، و نقلی ورزیده ؛ در ریاضی ، و نجوم ، مناسبت

تمام دارد .

### ملا عبد الحق حقی .

که امروز در دهلیست ، و اقسام علوم ورزیده ؛ و زبان شعر دارد .

و در لباس صوفیه میگذراند .

## شیخ حمید .

محدث، از اهل صلاح و تقوی است . و در احمد آباد میباشد .

## ملا موسی سندی .

در احمد آباد بود، و بتقوی و ریاضت، اوصاف داشت .

## ملا عبد الرحمن بوهرة .

در احمد آباد میباشد .

## ملا الهداد امروده .

مرد خوش فهم ملامیه میر مشرب بود .

## ملا الهداد سلطانیپوری

از شاگردان معتمد الملک است .

## ملا عالم گل بهاری کابلی .

خوشطبع، و شگفته، و بی قید بود، و شعر میگفت . کتابی در تاریخ، مشتمل بر احوال حکام، و علماء، و شعراء، نوشته، و فوایح لولایه نام کرده است .

## قاضی خان بدخشی .

در سلک امرا انتظام یافت . علوم عقلی و نقلی نیکو میدانست، و در زبان تصوف ممتاز بود .

## میر صدر جهان .

از علما ست ، و مدتی مدید مفتی بوده ؛ و حالا صدر الصدور ست .  
 طبع نظم هم دارد .

## ملا بایزید .

مفتی لاهور است .

## ملا عبد الشکور .

لاهوریست .

## میر عبد اللطیف قزوینی .

که سید ، و فاضل ، و مورخ ، و صاحب صلاح ، و تقوی بود .

## ملا میوکلان هریوی .

دانشمند تبصره ، و از اهل صلاح . و عمر او بهشتاد رسید ، که خدا نشد .  
 چون از و پرسیدند ؛ گفت از ملاحظه آنکه ، شاید برضای والدۀ سلوک نماید  
 که خدا نشدم . سالها در آگره بافاده مشغول بود .

## ملا عبد القادر .

اخواند حضرت خلیفه الہی . سالها بافاده گذرانیده ، در آخر سفر  
 حجاز اختیار کرد .

## قاضی حسن قزوینی .

بفضائل صوری آراسته است .

## ملا حبیب .

دانشمند مدرس است ، و سر آمد شوریده‌ها و از استنهاست .

## ملا اسمعیل مفتی .

لاهوری بود .

## ملا ابو الفتح لاهوری .

در وزع و تقوی ممتاز بود .

## ملا عبد الرحمن لاهوری .

## ملا عبد الجلیل لاهوری .

برادر ملا ابو الفتح است . و از مفتیان روزگار بود .

## ملا علی کرد .

از علوم عقلی بهره تمام داشت ؛ و از ولایت کردستان ، بهند آمده ، در گذشت .

## ملا عثمان سمانه .

الصال در سلک سپاهیان انتظام یافته ، بعدل پرگنات مشغولست .

## ملا سلطان تانیسری .

سالها بافاده گذرانیده .

## ملا املم الدین .

مدرس لاهوری .

### شیخ معین .

نبیره ملا معین واعظ : سالها در لاهور گذرانیده ، ودیعت حیات سپرد .

### قاسم بیگ تبریزی .

در عقل امتیاز دارد ، و در سلک امرا منتظم است .

### سید نعمت الله لاهوری .

### شیخ نور الدین کنبو لاهوری .

### ملا عبد القادر بداونی .

همه عمر در خدمت حضرت خلیفه الهی گذرانیده ، متصف بفضائل و کمالاتست . در علم صوفیه ، و تاریخ ، و فنون اشعار مهارت تمام دارد ، و چند کتاب تصنیف کرده . بعضی کتب هندی را به فرموده حضرت خلیفه الهی ترجمه کرده ، فارسی ساخته .

### شمس خان کنبو لاهوری .

### ملا هاشم کنبو .

علم عقلی ، و نقلی میداند .

### قاضی نور الله ششتری .

امروز ، بقضای لاهور مشغولاست . و بدیانت ، و امانت ، و فضائل ، و کمالات انصاف دارد .



## ملا عثمان قاری .

بزهد، و مجاهده ممتاز بود. سالها، در گجرات، بافاده اشتغال داشت .

## سید یاسین سرهندی .

از شاگردان میان وجیه الدین است .

## ملا قاسم واحد العین قندهاری .

در علوم عقلی، و نقلی، درس گفتی .

## ملا عبد السلام لاهوری .

فحول علماء لاهور بود .

## ملا بده لنکاه .

دانش مند منیجر و زاهد وقت بود .

## ملا حسام الدین سرخ لاهوری .

بر خلاف علماء لاهور، علوم عقلی را نیز نیکو دانسی، و بسیار متقی بود .

## ملا اسمعیل اوده .

از فحول علماء، و مفتی، و محدث بود .

## ملا الهداد لکنوی .

بزهد و تقوی اشتهار دارد .